

• تهاتر •

“La compensation”

تهاتر یکی از طرق سقوط تعهدات است. بوسیله تهاتر مدیون بدون آنکه وجهی بپردازد یا نقل و انتقالی در اسماول خود بدهد بری الذمه میگردد.

قانون مدنی ایران تعریفی از تهاتر نکرده است و شاید علت اساسی این سکوت بدیهی بودن مفهوم تهاتر در ذهن واضعین قانون بوده است :

در حقوق فرانسه تهاتر به « ایفای تعهد نسبت بطرفین خود بخود بدون لزوم اقدام آنان : “Double paiement abrégé et automatique» تعریف شده است .

بعضی از دانشمندان حقوق ایران (۱) تهاتر را باین نحو تعریف کرده اند :

« تهاتر عبارت است از موضوع شدن دو دین از یکدیگر تا اندازه ای که باهم معادله نمایند » .

در این تعاریف اگرچه رعایت اختصار شده ولی توجه بمنظور غائی از تعریف یعنی ایجاد یک حد منطقی که جامع و مانع باشد نگردیده است .

با استفاده از مجموع عبارات قانونی و نظریات دانشمندان میتوان تعریف ذیل را برای تهاتر نمود .

« تهاتر عبارت از یک پدیده حقوقی است که طبق قانون و یارضای طرفین حاصل میشود و بموجب آن دو دین یکسان تا اندازه ای که باهم معادله نمایند خود بخود ساقط میگردند » .

با توجه بتعریف فوق معلوم میگردد که تهاتر در موردی امکان پذیر است که هر یک از طرفین در عین حال هم بدیگری بدهکار و هم از او طلبکار باشد و بعلاوه دو دین بطور مطلق یعنی هم از نظر کیفیت و هم از لحاظ کمیت یکسان باشد .

هر گاه دو دین از هر حیث باهم مساوی باشند هر دو ساقط و طرفین در مقابل یکدیگر بکلی بری الذمه میگردند. ولی هر گاه مقدار آنها متفاوت باشد فقط دین کوچکتر و کمتر ساقط میشود یعنی بدهکاری که مبلغ یا مقدار کمتری را مدیون است در مقابل دیگری کاملاً بری الذمه میگردد ولی اشتغال ذمه طرف وی نسبت بمازاد باقی می ماند .

تهاتر وسیله ای است که برای رهایی طرفین از نقل و انتقال بیهوده و دریافت و پرداخت بی نتیجه وجوه نقدی Versement de fonds پیش بینی شده و بموجب آن

(۱) مرحوم منصور السلطنه عدل ، حقوق مدنی ایران ص ۱۸۵ بند ۳۳۹ .

تهاتر

هریک از داین و مدیون دین خود را از آنچه نزد خویشتن و بر ذمه خود دارد تحویل بگیرد . با اتخاذ این تدبیر احتیاج به نقل و انتقال مادی دیون بکلی مرتفع میشود . این تجویز قانون که مبتنی بر اصول فطری و طبیعی است سرعت عمل را که رکن اصلی و لازم امور اقتصادی و مراودات بازرگانی امروزی است بنحو اتم و اکمل تأمین مینماید .

هرگاه حصول تهاتر از نظر قانون مجاز نمی‌بود لازم می‌آمد که یکی از دائنین که متقابلاً بهم مدیونند دین خود را بپردازد و منتظر بماند دیگری هم بنوبه خویش بدهکاری خود را پرداخت کند .

این ترتیب نه تنها موجب عدم مساوات است بلکه ممکنست طرفی را که دین خود را پرداخته در مجرای خطر عدم پرداخت یا احياناً اعسار طرف دیگر قرار دهد . ولی هنگامیکه تهاتر بین دیون طرفین خود بخود انجام گرفت و پرداخت صوری و نقل و انتقال ظاهری ضرورت و لزومی نداشت هردو به طلب خود رسیده مساوات حقیقی که باید هدف اصلی هر قانونگذاری باشد ایجاد میگردد .

بنابراین صرفنظر از مصلحت فطری و عقلی که در سطور قبل به آن اشاره شد رعایت جنبه انصاف و عدالت وضع چنین مقرراتی را ایجاب مینماید و درحقیقت تهاتر را میتوان یکنوع ضمان « Garantie » پرداخت دیون طرفین دانست .

اگرچه تهاتر باعث برقراری مساوات بین طرفین میشود ولی گاهی هم بنا بمصالح مهمتری این مساوات قانوناً مختل میگردد :

مثلاً در مورد ورشکستگی احد از دائنین هرگاه داین دیگر بخواهد استناد بتهاتر کند تمام طلب خویش را استیفا مینماید و حال آنکه سایر طلبکاران باید در غرما « Concours » شرکت کرده فقط بوصول قسمتی از طلب خود موفق گردند .

بنابراین در واقع با قبول اسکان حصول تهاتر قهری درچنین موردی امتیاز خاصی برای یکی از طلبکاران قائل شده ایم که سایرین از آن محروم و بی بهره اند . از اینرو قانون ضمن مقرراتی برای جلوگیری از تبعیض و ضرر طلبکاران دیگر این قاعده را در مورد تجار ورشکسته محدود کرده و مقرر داشته است که از تاریخ صدور حکم ورشکستگی (که معمولاً یا زمان حقیقی توقف بازرگان و یا تاریخی است که محکمه ضمن حکم ورشکستگی آنرا معین و مشخص میسازد) تکلیف بدهی های تاجر ورشکسته بنحو بارز و آشکاری تعیین گردیده و همه دیان در دارائی ورشکسته بنحو مساوی ذیحق میشوند و در اینصورت استفاده از تهاتر بوسیله یکی از طلبکاران بحقوق ثابتۀ دیان دیگر لطمه وارد می‌آورد .

در اینجا بی‌مناسبت نیست تذکر داده شود که یکی از مواردی که در آن تهاتر مصادیقی زیاد پیدا می‌کند و فواید و منافع مهم خود را بمنصه ظهور و بروز میرساند مورد استعمال آن در امور تجاری است .

تهاتر

تهاتر نتیجه حتمی معاملات بازرگانی است بطوریکه کمتر موردی در امور تجارتي پیدا میشود که تاجری بتاجر دیگر بدهکار شود بدون آنکه متقابلاً از او طلبکار گردد و برعکس کمتر اتفاق می افتد که بازرگانی از بازرگان دیگر بستانکار شود بدون آنکه روزی مدیون وی واقع گردد بلکه غالباً هر تاجری نسبت ببازرگانان دیگر بابت بهای کالاهای مورد معامله و یا کارمزد خدمات تجارتي از قبیل حق العمل کاری و غیره هم بستانکار و هم بدهکار میشود .

علت این امر اعتماد کامل به اعتبار «Crédit» تجار است. این اعتماد و اطمینان که خیلی بجا و بمورد بین تجار بعد اعلای درجه خود رسیده و مایه وجود و باعث قوام و دوام امور تجاری است موجب شده که بازرگانان تأدیه دیون خود را بنحو نقل و انتقال صوری انجام ندهند بلکه بین آنان حساب جاری «Compte courant» ایجاد شود .

هر تاجری برای بازرگان طرف معامله خود در دفتر تجارتي خویش صفحه ای بنام وی اختصاص داده و این صفحه را بعد اقل سه ستون « بستانکار » ، « بدهکار » و « نتیجه حساب » تقسیم می کند بمحض آنکه از بابتي مدیون طرف خود گردید مبلغ دین را در ستون بستانکار حساب وی ثبت مینماید و بالعکس وقتی از او طلبکار میشود مقدار طلب را در ستون بدهکار حساب وی منعکس میسازد و در این نقل و انتقال یعنی در حقیقت دادوستد دفتری فقط بمطالع ساختن طرف خویش اکتفا مینماید و باین ترتیب دیون هریک از طرفین در حساب جاری منعکس و خود بخود از یکدیگر تهاتر شده در پایان نتیجه «Solde» یعنی فقط میزان بدهی «Solde en passif» یا میزان طلب «Solde en actif» یکی از طرفین در ستون نتیجه مشخص و نمودار میگردد .

اقسام تهاتر :

با توجه به تعریف نهائی که از تهاتر بعمل آمد میتوان آنرا به سه قسم متمایز منقسم ساخت از اینقرار :

- ۱ - تهاتر قهری یا قانونی
- ۲ - تهاتر قضائی
- ۳ - تهاتر اختیاری یا تهاتر رضائی

که ذیلاً در باره هریک تفصیل مقتضی داده خواهد شد :

۱ - تهاتر قهری یا تهاتر قانونی « La compensastion légale » چنانکه از عنوان این نوع تهاتر برمی آید سقوط دیون طرفین بموجب آن قهراً وبدون مداخله طرفین یا مراجع قضائی باندازه ای که با هم معادله نمایند انجام می پذیرد . قانون مدنی ایران تهاتر را ذیل ماده ۲۹۵ باین طریق تعریف کرده است :

« تهاتر قهری است و بدون اینکه طرفین در این موضوع تراضی نمایند حاصل میگردد بنا بر این بمحض اینکه دو نفر در مقابل یکدیگر در آن

تهاتر

واحد مدیون شدند هر دو دین تا اندازه‌ای که با هم معادله نمایند بطور تهاتر برطرف شده و طرفین بمقدار آن درمقابل یکدیگر بری میشوند. »

ماده ۱۲۹۰ قانون مدنی فرانسه نیز حصول تهاتر قهری را درموقعی که دودین در آن واحد نزد دو شخص موجود شدند بدون آنکه توافق طرفین ضرورتی داشته باشد تحت شرایطی امکان پذیر دانسته است.

قهری بودن تهاتر در قوانین ایران و فرانسه بدرجه‌ای است که نه تنها لازم نیست طرفین بر حصول آن تراضی کنند بلکه حتی لازم نیست یکی از آنان هم اظهار تمایل و رغبتی بحصول آن بنماید بلکه صرفاً بمحض اجتماع شرایط مقررہ بطور اتوماتیک تهاتر حاصل میشود و طرفین در مقابل یک پدیده قهری و قانونی که « تأدیہ دین از ناحیہ طرفین و بدون مداخله طرفین است » واقع میگرددند.

ولی قانون آلمان ایندرجه از قهری بودن تهاتر را قائل نگردیده بلکه یک شرط اضافی در قانون آلمان برای حصول تهاتر در نظر گرفته شده و آن اظهار تمایل یکی از طرفین است^۱.

قانون رم مدت مدیدی تهاتر قهری را برسمیت نمی شناخت و فقط در صورتی تهاتر را موثر در اسقاط دیون می دانست که بتراضی طرفین صورت گرفته باشد بنا براین هر گاه دونفر پیدا میشدند که هریک مدیون دیگری بودند فقط آندو میتوانستند باهم توافق کنند که بقدر دین کمتر از میزان دیون طرفین تهاتر بعمل آید ولی اگر چنین موافقتی ایجاد نمیشد لازم بود هر یک از طرفین دین خود را بدیگری بپردازد و هر گاه نمیدادند دیگری فقط یک راه درپیش داشت و آن این بود که شکایت نزد قاضی برد و در محکمه اقامه دعوی نماید و مدیون یعنی مدعی علیه حق نداشت در دفاع از خود به اشتغال ذمه مدعی استناد نماید.

این وضع عجیب برخلاف اعتباراتی بود که رومیان که ملتی تاجر بودند میبایست در امور خود قائل گردند. این ترتیب ابتدائی قانون رم بود ولی بعداً تعدیلاتی در آن ایجاد گردید بطوریکه تا عهد « ژوستینیان » در اثر تغییر و تبدیل قوانین سابق و جرح و تعدیل درمواد آنها تهاتری بوجود آمد که بدون احتیاج برضای طرفین و خود بخود « Ipso jure » حصول می یافت که مفسرین قانون رم « Les glassators » آن را تهاتر قهری دانسته اند.

شرایط حصول تهاتر قهری :

تهاتر بطور کلی یکی از وسائل سقوط تعهدات است (ماده ۲۶۴ قانون مدنی ایران) ولی هیچ دینی با تهاتر قهری ساقط نمیشود مگر آنکه با دین مقابل و نسبت بدان واجد پنج شرط ذیل باشد:

۱ ماده ۳۸۸ قانون مدنی آلمان، الالتزامات دکتر ذهنی یک ص ۴۶۸

تهاتر

شرط اول : داین و مدیون بودن شخص طرفین تهاتر :

دودین نزد دوشخص که هریک از آنها در عین حال هم داین هم مدیون است باید موجود باشد. این شرط یکی از شروط اساسی و مهم حصول تهاتر قهری است.

وصی یا قیم نمیتوانند نسبت به مطالباتی که مولی علیهشان از دیگران دارد در مقابل دیوان شخصی خود به بدهکاران ادعای تهاتر نمایند زیرا شخصیت مالی مولی علیه از شخصیت قیم و وصی جدا و مجزا است و دیوان و تعهدات یکی از محل دیون و تعهدات دیگری قابل تأدیه نیست.

همچنین یکی از بدهکاران یک شرکت تجاری نمیتواند طلب خویش را از یکی از اعضای شرکت مبنای تهاتر با قرارداد دهد زیرا که شرکت دارای شخصیت حقوقی مستقلی است که از نظر مالی با شخصیت اعضای خود مغایرت دارد و شرکت که طرف تهاتر قرار میگیرد غیر از عضوی است که مدیون واقعی است و باید طرف تهاتر واقع شود.

تحت تأثیر این شرط است که ماده ۲۹۷ قانون مدنی ایران مقرر داشته است.

« اگر بعد از ضمان مضمون له بمضمون عنه مدیون شود موجب فراغ ذمه ضامن نخواهد شد. »

این قاعده مأخوذ از تعریف ضمان به « قتل ذمه بذمه » است که در ماده ۶۹۸ قانون مدنی ایران باین شرح آمده که :

« بعد از اینکه ضمان بطور صحیح واقع شد ذمه مضمون عنه بری و ذمه ضامن بمضمون له مشغول میشود. »

زیرا در چنین صورت معینی با براءت ذمه مدیون اصلی رابطه حقوقی بین طرفین تهاتر وجود نخواهد داشت تا حصول تهاتر بطور قهری امکان پذیر باشد. برعکس در فرانسه و همچنین فقه اهل سنت که ضمان را عبارت از « ضم ذمه بذمه » میدانند بمحض حصول موجبات تهاتر قهری هم ذمه شریک مدیون و هم ذمه ضامن وی هم کیفیلی که بکفالت از پرداخت دین مضمون عنه وثیقه ای سپرده و یا با ارائه اسوالی اثبات اعتبار خویش را نزد داین یا محاکم نموده و بالاخره کفالت مدیون را کرده است ذمه همگی بری میشود.

شرط دوم . اتحاد جنسین :

دو دین باید از یک جنس « La même espèce » باشند ممکنست دو دین هر دو نقدیا هر دوشیئی مثلی « Choses fongibles » و از یک جنس باشند در حال اتحاد جنسین شرط اساسی حصول تهاتر قهری است. ماده ۲۹۶ قانون مدنی ایران در این باره مقرر می دارد :

« تهاتر فقط در مورد دو دینی حاصل میشود که موضوع آنها از یک جنس باشد »

تهاتر

ماده ۱۲۹۱ قانون مدنی فرانسه در این باره مقرر داشته است :

« تهاتر قهری حاصل نمیگردد مگر آنکه دو دین خالی از نزاع (موجود) و مستحق مطالبه بوده و هر دو وجه نقد یا از جمله اشیائی باشند که از نظر قیمت و موضوع یکی از آنها بتواند جایگزین دیگری شود..... »

بنا بر این هم در قانون ایران و هم در قانون فرانسه که منشاء و مبدأ غالب قوانین اروپائی است در صورت نبودن صفت اتحاد جنسین حصول تهاتر ممنوع است .

هرگاه دو دین قابل تقویم یا قابل تبدیل بیک جنس بودند ولی خودشان واجد صفت اتحاد جنسین نبودند آیا تهاتر در آنها حصول می نماید ؟

مثلاً هرگاه یک نفر صدمن پنبه بدیگری مدیون باشد و شخص داین پنجاه هزار متر پارچه بمدیون اولی بدهکار شود آیا می توانند در این دو دین حصول تهاتر قهری را ادعا کنند ؟

قانون ایران نسبت باین مورد ساکت است و از روح مواد قانون هم نمیتوان جواز یا منعی برای آن استنباط کرد. بعضی اجناس در کشورهای خارجی دارای نرخ رسمی و قانونی «*Coté officielle*» هستند، هرگاه چنین اجناسی در ایران هم وجود داشته باشد تهاتر بین آنها امکان پذیر است زیرا هر دو جنس بحساب دقیق و صحیحی که با قوانین و مقررات انطباق کامل دارد و بهیچوجه از نظر قانون نمیتواند مورد اختلاف قرار گیرد قابل تبدیل بوجه نقد رایج میباشد و دو دین که هر دو وجه نقد رایج شدند حصول تهاتر قهری بین آنها امکان پذیر است .

مصدافی که برای اینمورد در ایران میتوان پیدا کرد اسعار خارجی است که از طرف دولت دارای یک نرخ رسمی و قانونی نسبتاً ثابتی است. بنا بر این اگر تاجری دوهزار لیره بدیگری مدیون باشد و داین مزبور هم ارز ریالی دوهزار لیره به وی بدهکار باشد این دو دین قهراً باهم تهاتر میشوند و اگر مانعی در بین باشد تشریفات بانکی از لحاظ کنترل دولت بر اسعار خارجی است نه مانعی برای حصول تهاتر.